



حسین بشیری

پژوهشگر حقوق و رسانه و معلم وکالت

روزی که طرح تسهیل مجوزهای کسب‌وکار با وجود همه توصیه‌ها و تذکرات حقوق‌دانان و کارشناسان نهاد وکالت بی‌بی‌توجهی به این خواسته‌ها و فقط به بهانه رفع انحصار و ایجاد اشتغال با شتاب و کم‌دقتی در تهیه و تنظیم تصویب شد، قابل پیش بینی بود که این قانون در مرحله اجرا با موانعی مواجه شود و تمام چشم‌انتظاران تصویب این قانون را همچنان منتظر، دل‌نگران و بلاتکلیف نگه دارد. اولین آزمونی که براساس این قانون برگزار شد، آزمون وکالت مرکز وکلا و کارشناسان و مشاوران خانواده قوه قضائیه بود که در اردیبهشت ماه امسال برگزار شد. طبق وعده مسئولان این مرکز قرار بود که در موعد نزدیک و مشخصی نتایج این آزمون اعلام شود؛ اما تا به این لحظه این مهم رخ ن داده و گروه عظیم شرکت‌کنندگان در این آزمون همچنان چشم‌انتظار اعلام نتایج هستند.

براساس گفته مسئولان مرکز وکلا و معاونت‌های قوه قضائیه و همچنین برخی از نمایندگان مجلس علت اصلی و مهم در این تأخیر اختلاف‌نظر بر تفسیر و تعریف واژه «نمره» در تبصره ۵ ماده ۱۴۰ قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار است که برخی

از مدیران نهاد وکالت و قوه قضائیه تاکید دارند که واژه بیان‌شده صریح بوده و نیاز به تفسیر ندارد و باید «نمره» ملاک باشد؛ اما تعدادی از نمایندگان مجلس و مدیران کمین رفع انحصار از وکالت بر این باور هستند که چون در مشروح مذاکرات مجلس منظور نمایندگان از «نمره» عبارت «تراز» بوده، باید حدنصاب علمی براساس این محاسبه شود.

واقعیت ماجرا این است که خود این عبارات به لحاظ وجودی محل اختلاف نبوده؛ بلکه آثار بعدی ناشی از ملاک قرار دادن آنان موجب به‌وجودآمدن اختلاف شده است؛ به گونه‌ای که اگر واژه «نمره» ملاک قرار گیرد، احتمالا تعداد کمتری در این آزمون پذیرفته خواهند شد و اگر واژه «تراز» ملاک قرار گیرد، شاید بین ۱۰ الی ۱۲ هزار نفر حائز شرایط لازم شده و وارد مسیر ارزشیابی و گزینش‌های تخصصی و عمومی شوند. دراین‌باره باید تاکید داشت‌ که متأسفانه آنچه دراین‌میان به‌هیچ‌وجه از ابتدا تا به اکنون که این قانون در مرحله اجرا قرار گرفته، مورد غفلت و بی‌توجهی واقع شده است، این بوده که وقتی قرار است در سال ۱۴۰۱ در واقع چهار آزمون پذیرش کارآموز

اینکه هدف دیگری در پشت این طرح نهفته است.

پاسخ این سؤال را باید در سه بخش متمایز داد.

بخش اول: معیار تعیین حق‌الوکاله وکلای دادگستری.

بخش دوم: میزان عرضه خدمات وکلای دادگستری با حداقل

حق‌الوکاله حتی زیر تعرفه دولتی در حال حاضر

و بخش سوم: انبوه وکلای جوان دادگستری که حاضر هستند حتی با دستمزد حداقلی کارمندان دولت، بدون بهره‌مندی از مزایای ویژه آنها وکالت و دعاوی بخش خصوصی و دولتی را بر عهده بگیرند.

در بخش اول: چنان‌که استحضار دارید حق‌الوکاله وکلای دادگستری تابع تعرفه‌های است که هر چند سال یک بار با توجه به نرخ تورم سالانه توسط ریاست محترم قوه قضائیه تصویب می‌شود که حاوی حداقل‌های دستمزد یک وکیل دادگستری است و مسلما کسی نمی‌تواند رئیس دستگاه قضا را متهم به وضع مقررات خلاف قاعده و گران در تعیین دستمزد وکلا کند. در بخش دوم: امروز تعداد کثیری از وکلای دادگستری با حق‌الوکاله زیر تعرفه قوه قضائیه و با نازل‌ترین قیمت، طرح و تعقیب دعاوی سنگین سازمان‌ها، نهادها، بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی و دولتی را بر عهده دارند که نمونه بارز آن را می‌توان در ادارات حقوقی بانک‌ها و شرکت‌های خصوصی و دولتی دید؛ بنابراین کدام شرکت یا سازمان با بنگاه دولتی و یا خصوصی وجود دارد که نیاز به خدمات وکالتی با نرخ تعرفه دولتی و حتی زیر آن داشته باشد ولی با استقبال انبوه وکلای جویای کار مواجه نشده باشد.

اما در بخش سوم: امروزه بیش از ۴۰ درصد وکلای جوان دادگستری بی‌کار هستند و حاضرند حتی با حقوق حداقل کارمندان دولت و بدون بهره‌مندی از مزایای ویژه آنها، وکالت دعاوی بخش خصوصی و دولتی را بر عهده بگیرند و همان نقش نمایندگان حقوقی را که در این طرح آمده است، ایفا کنند. مضاف بر اینکه نهاد وکالت این آمادگی را دارد که هر بنگاه یا شرکتی که نیاز به خدمات وکالت داشته باشد، این خدمات را با تعرفه قوه محترم قضائیه در اختیار آنها بگذارد. بنابراین در چنین شرایطی چه ضرورتی به قانون‌گذاری و تحمیل هزینه سنگین آن به مردم و تبدیل یک استثنا به اصل برخلاف بند ۱۰ سیاست‌های استقلالی در امر دفاع قضائی فراوان وجود دارد؟ مگر اینکه قائل به این باشیم که اهداف دیگری پشت صحنه این طرح نهفته است که آن‌وقت موضوع متفاوت خواهد بود. اما تبعات تصویب این طرح بر نظام حقوقی و قضائی و حقوق مردم:

بدون شک اولین قربانی تصویب این طرح نظام قضائی کشور خواهد بود. نظام قضائی که از آن پس باید در دادگاه‌های خود مواجه با انبوه نمایندگان حقوقی شود که از یک طرف از کمترین مهارت و آموزش‌های حرفه‌ای برخوردار نیستند و به‌همین‌دلیل هر موضوع و اختلاف ساده‌ای را تبدیل به یک پرونده قضائی

وکالت یعنی دو آزمون فوق‌العاده و معوق‌شده مرکز وکلا و کانون وکلا و دو آزمون سالانه این دو نهاد در نیمه دوم ۱۴۰۱ برگزار شود و تعداد عظیمی از شرکت‌کنندگان به‌عنوان کارآموز وکالت پذیرفته شوند. آیا اساسا امکانات و داشته‌های مرکز وکلای قوه قضائیه و کانون وکلا و همچنین دادگستری‌های کل کشور می‌تواند پاسخ‌گوی این خیل عظیم از پذیرفته‌شدگان باشد یا خیر؟

اگر نمایندگان محترم مجلس هنگام تهیه و تصویب این قانون درباره این موضوعات و مقدرات کمی تحقیق و تأمل می‌کردند و ذهن و تصمیم خود را به طور کامل در اختیار گروه خاصی از افراد که با شعار رفع انحصار به دنبال مقاصد دیگری بودند، قرار نمی‌دادند، درواقع بسیاری از معضلات و مشکلات قابل پیش‌بینی و پیشگیری بود.

اگر به محل‌های ابراز عمل وکالتی و فعالیت یک وکیل یعنی «مال و جان و آبرو و ناموس» آحاد کشور دقت شود، دیده می‌شود که امر آموزش و صلاحیت‌سنجی باید بسیار مورد توجه قرار گیرد و نمی‌توان با قواعد ریاضی و اقتصادی درمورد موضوعی

خواهند کرد و آمار ورودی‌های دادگستری را افزایش خواهند داد. و از طرف دیگر هیچ نظارت انتظامی همچون نظارت‌های انتظامی وکلا و قضات و حتی کارمندان دولت بر آنها وجود ندارد. و همین دو امر کافی است که تالی‌های فاسدی به شرح زیر

فراروی دادگاه‌ها و دستگاه قضائی قرار گیرد:

اولین تالی فاسد همان‌گونه که گفته شد، افزایش ورودی‌های پرونده‌ها به دادگستری‌ها از طریق طرح دعاوی مبنا و اساس خواهد بود. نماینده حقوقی که تازه از گروه یا دانشکده آن‌هم با هر کیفیت آموزشی فارغ‌التحصیل شده و فاقد آموزش‌های حرفه‌ای و مهارتی است، مسلما هر موضوع و اختلافی را تبدیل به یک پرونده قضائی خواهد کرد و بدین‌وسیله آمار ورودی‌های به دادگستری را افزایش خواهد داد.

دومین تالی فاسد آن صدمه به اتقان آرای قضائی خواهد بود. مسلما اشخاصی که فاقد مهارت و آموزش‌های حرفه‌ای در امر وکالت باشند، نه‌تنها نخواهند توانست کمکی به قاضی در صدور آرای محکم و متقن کنند، بلکه با طرح انبوه دعاوی واهی و بی‌اساس و درگیرکردن قضات با آن، مجالی برای صدور چنین آرای برای آنها نخواهند گذاشت.

سومین تالی فاسد فراهم‌شدن بساط واسطه‌گری و کارچاق‌کنی و دلالی از طریق انتقال دعاوی به شرکت‌های خصوصی دارای نماینده حقوقی است. بدون شک در آینده نزدیک شرکت‌های خصوصی پدیدار خواهند شد که اگرچه ظاهر موضوع آن فعالیت بازرگانی یا صنعتی و… خواهد بود ولی در باطن مرکزی خواهند شد برای انتقال دعاوی مردم به خود و طرح آنها توسط نمایندگان حقوقی فاقد نظارت سازمان‌یافته در دادگاه‌ها که البته این امر وسوسه‌انگیز درمورد بنگاه‌ها و شرکت‌های خصوصی موجود هم متصور خواهد بود.

چهارمین تالی فاسد آن نقض استقلال امر دفاع است، توجه داشته باشیم پوستی دادگستری امر دفاع را بر عهده می‌گیرد، مستقل است. نه تحت امر کانون وکلاست و نه تحت امر و نهی موکل خود. یکی از مبانی استقلال وکیل دادگستری، استقلال از موکل است. حال نماینده حقوقی که کارمند و مستخدم بنگاه یا شرکت خصوصی است، چگونه می‌تواند تحت امرونهی او نباشد و استقلال نظر خود را حفظ کند؟ مطمئنا چنین نماینده‌ای هیچ استقلالی در امر دفاع نخواهد داشت و به دلیل مخدوش‌شدن استقلال امر دفاع در دادرسی منصفانه، اعتبار آرای قضائی ما در مراجع داخلی و بین‌المللی از بین خواهد رفت و هیچ مرجع قضائی خارجی چنین آرائی را به‌دلیل عدم وجود یک دفاع مستقل اجرا نخواهند کرد.

تالی فاسد پنجم: تشدید بی‌کاری وکلای جوان دادگستری است. درحال‌حاضر به دلیل فقدان فرهنگ وکالت و فراهم‌نبودن زیرساخت‌های لازم برای فعالیت وکلای دادگستری، بیش از ۴۰ درصد از وکلای جوان حتی پنج یا شش نفره هم قادر به اجاره یک دفتر وکالت نیستند.

صحت کرد که قاعده‌های خاص خود را دارد. اگر گفته شود که مثلا پذیرش زیاد وکیل می‌تواند به برخی موضوعات کمک کند، در حالی باید این سخن و نظر را پذیرفت که به امکانات آموزشی و صلاحیتی این تعداد از کارآموز وکالت از پیش توجه شده باشد. اگر طبق قواعد بازار فکر کنیم که اگر یک کارآموز وکالت که به خوبی آموزش ندیده و به تبع آن در کسب منافع مالی هم دچار مشکل شده، از جرخه وکالت خارج خواهد شد، تصویری اشتباه است؛ چراکه مفاسدی مانند کارچاق‌کنی و دلالی و مشاوره‌های غیرخبرخواهانه در کمین این افراد بوده که می‌تواند مفاسد عظیمی برای جامعه به دنبال داشته باشد.

حداقل انتظار این است که در کنار عبارات «نمره» و «تراز» که به محل اختلاف تبدیل شده، کمی هم به «آموزش حرفه‌ای» توجه شود؛ زیرا در همین شرایط فعلی هم بسیاری از کارآموزان وکالت در کشور با مشکل عدم همکاری و پاسخ‌گویی وکیل سربست یا محاکم قضائی مواجه بوده و باید هر چه سریع‌تر برای این امر هم تدابیری اندیشیده شود.

حال در چنین شرایطی و در شرایطی که بناسط به تفاسیر به رای از طرح تسهیل صدور برخی از مجوزهای کسب‌وکار تعداد وکلای دادگستری یک‌باره به چند برابر موجود افزایش یابد، تصویب این طرح و گرفتن ظرفیت وکالت بخش خصوصی از آنها بدون تردید باعث خواهد شد زوربه‌روز بر آمار بی‌کاری وکلای دادگستری افزوده شود که مسلما تالی‌های فاسد این امر و سوق دادن آنها به سمت واسطه‌گری و کارچاق‌کنی احتمالی برای امرار معاش، باز هم بر قوه محترم قضائیه و مردم تحمیل خواهد شد.

اما تصویب این طرح غیرضروری فقط دستگاه قضا و وکالت را متاثر و دچار مشکل نخواهد کرد، بلکه حتی خود شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی را نیز دچار مشکل و ضرر و زیان فراوان خواهد کرد.

متأسفانه طراحان طرح مذکور آماری از پرونده‌های محکومیت نمایندگان حقوقی بخش دولتی و تضییع حقوق بیت‌المال از سال ۱۳۷۴ تاکنون ارائه ن داده‌اند.

درحالی‌که شواهد حکایت از تضییع میلیاردها تومان حقوق بیت‌المال در دعاوی که وکلای متخصص در آن دخالت نداشته‌اند، دارد. اینک نمایندگان محترم طراح درصد تسری استفاده از نماینده حقوقی غیرحرفه‌ای برای دعاوی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی خصوصی هستند.

مسلما سپردن دعاوی تخصصی بخش خصوصی که حتی وکلای دادگستری هم گاهی در اداره آن دچار مشکل می‌شوند، به نمایندگان حقوقی غیرحرفه‌ای و آماتور نتیجه‌ای جز محکومیت آنها در مراجع قضائی و ورود ضرر و زیان جبران‌ناپذیر و چه‌بسا ورشکستگی آنها چیز دیگری در بی نخواهد داشت که ضروری است اتحادیه‌ها و سندبکاه‌های مرتبط با بخش خصوصی متوجه تبعات این امر باشند و شرکت‌ها و بنگاه‌های زیرمجموعه خود را متوجه این تبعات و پوست موزی کنند که زیر پای آنها به قیمت ایجاد هرج‌ومرج در نظام حقوقی و قضائی کشور خواهند گذاشت.

اما در این میان سؤال اساسی از دولت محترم که نماینده آن بدون قید و شرط تصویب کلیات طرح را پذیرفت این است که به چه دلیل برخلاف اصل ۷۵ قانون اساسی زیر بار تصویب طرحی رفت که نتیجه آن کاهش درآمد‌های عمومی دولت ناشی از وصول مالیات از پرونده‌های وکالتی است که بناسط به نمایندگان حقوقی واگذار شود؟!

و نکته آخر اینکه نظام حقوقی کشور در سال ۱۳۲۹ قمری با تصویب مواد ۲۳۴ الی ۲۴۰ قانون تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام صلحیه نظام وکالت مدنی و غیرحرفه‌ای را کنار گذاشته است. امیدوارم نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی هنگام طرح جزئیات در کمیسیون و همچنین عنداللزوم در صحن علنی اجازه ندهند که کشور بار دیگر در حوزه وکالت دعاوی به قبل از سال ۱۳۲۹ قمری رجعت کند.

۲	۹	۷	۵	۶	
			۵		۹
					۴
۴	۲		۸	۳	
	۱	۶		۸	
	۵	۳	۱	۹	
				۷	
		۱	۳	۶	

۶	۲	۸	۷	۳	۶
۵	۱	۴	۲	۲	۵
	۸	۶	۹	۱	۶
	۳	۵	۶		
	۵	۲		۶	۵
	۵	۱	۷	۴	۴
	۲	۸	۱	۴	۷

◆ سودوکو سخت ۳۲۹۰

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک

تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا

۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

◆ سودوکو ساده ۳۲۹۰

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۱	۹	۸	۲	۴	۷	۶	۵	۳
۶	۷	۱	۳	۵	۸	۴	۹	۲
۳	۵	۴	۸	۹	۱	۲	۷	۶
۸	۶	۹	۷	۵	۱	۴	۳	۲
۲	۴	۳	۶	۸	۹	۷	۱	۵
۷	۱	۵	۳	۲	۶	۹	۸	۴
۴	۸	۷	۱	۲	۳	۵	۶	۹
۵	۳	۶	۷	۸	۲	۱	۹	۴
۳	۸	۷	۱	۶	۳	۲	۹	۵

۹	۵	۱	۲	۷	۶	۳	۴	۸
۶	۲	۱	۸	۵	۹	۷	۳	۴
۳	۸	۷	۶	۴	۹	۵	۲	۱
۷	۳	۱	۵	۲	۸	۹	۶	۴
۴	۸	۵	۳	۶	۲	۱	۹	۷
۲	۹	۶	۷	۱	۸	۳	۵	۴
۸	۷	۱	۲	۳	۵	۶	۲	۹
۱	۶	۴	۷	۲	۳	۸	۵	۹
۵	۴	۹	۸	۷	۱	۶	۳	۲

◆ حل جدول ۴۲۹۳

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵